

مطالعه نقش هویت و فرهنگ سیاسی در عملکرد فضای سایبری در ایران

(با تاکید بر اندیشه های هابرماس)

چکیده

مقاله حاضر سعی دارد ضمن توصیف و تبیین تأثیر فرهنگ، هویت، فضای عمومی جامعه و سنت‌های برآمده از آن بر فضای مجازی و مناسبات و محتوای درون آن، واز دیگر سو، تأثیر فضای مجازی بر فرهنگ، کنش‌های اجتماعی، هویت، نگرش‌ها و رفتارهای فردی و جمعی، بر این نکته تأکید کند که اگر، فرهنگ سیاسی یک جامعه و مؤلفه‌های اصلی آن تضمین کننده ثبات سیاسی و تقویت کننده جامعه مدنی به مثابه مؤلفه‌های اساسی توسعه سیاسی نباشند، پیامدهای آسیب شناختی خواهند داشت. لذا در این مقاله مؤلفه‌های مهم نظریه هابرماس مانند: حوزه عمومی، کنش ارتباطی، عقلانیت، امکان مشارکت، فضای باز، ارتباط دوسویه و توانایی برقراری ارتباط را جهت ارتقا، نقد و گفتگو در فرهنگ سیاسی و چالش‌هایی که این مؤلفه‌ها، در فضای مجازی می‌توانند در هویت دینی اسلامی ایران ایجاد نمایند مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. هدف مقاله حاضر بررسی نقش فضای مجازی به عنوان زمینه جدید کنش ارتباطی بر توسعه فرهنگ سیاسی از گذر نظریه کنش ارتباطی هابرماس، همچنین بررسی تأثیر فضای مجازی بر هویت ملی است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهند که نوع نگاه سیاست‌گذاران به شبکه‌های اجتماعی در ایران، با نحوه استفاده کاربران از آن، لزوماً در تعارض نیست، اما ناکارآمدی فرهنگی ساختارهای موجود، جدی نگرفتن ابزارهای قانونی و مدیریتی، و نیز پراکندگی شیوه‌های تصمیم‌گیری، چالش‌های فراوانی را برای سیاست‌گذاری شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشته، که همگرایی و تجانس میان نهادهای تصمیم ساز را بسیار دشوار ساخته است؛ همچنین در مواردی ثبات سیاسی را تهدید و جامعه مدنی را تضعیف کرده است.

واژگان کلیدی: فضای عمومی، کنش ارتباطی و عقلانیت، امکان مشارکت و فضای باز، ارتباط دوسویه و توانایی

برقراری ارتباط، هویت و فرهنگ سیاسی

امروزه پدیده انقلاب ارتباطات و محصول کاملاً شناخته شده آن یعنی اینترنت در حال ایجاد تغییرات اساسی و وسیعی در ماهیت، اشکال و ساختارهای قدرت در جوامع گوناگون اعم از پیشرفته و در حال توسعه است و این امر پژوهشگران را به پرسش درباره میزان و چگونگی این تغییرات و تأثیرات کنونی و آتی اینترنت بر زندگی سیاسی جوامع و رابطه بین دولتها و شهروندان واداشته است. یکی از عوامل توجه روزافزون پژوهشگران علوم سیاسی به این پدیده نقشی است که شبکه اینترنت می‌تواند در رشد و تقویت دموکراسی و مشارکت سیاسی به شیوه‌هایی کاملاً نو در جوامع گوناگون داشته باشد، همزمانی ارتباط این توانایی به دلیل ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، فراگیر بودن و متمرکز نبودن شبکه اینترنت است که آن را از رسانه‌های جمعی سنتی مانند مطبوعات، رادیو و تلویزیون متمایز می‌سازد. نظریه کنش ارتباطی هابرماس که ناظر بر شکل‌گیری فضای عمومی است به صورت یک وضعیت ایده‌آل در توسعه سیاسی در نظر گرفته می‌شود. شکل‌گیری وضعیت ایده‌آل گفت و گو و به هم خوردن نظم سیاسی پیشین ناشی از کنش ارتباطی سنتی بستری است که می‌تواند بر شاخص‌های توسعه سیاسی در جوامع، یعنی نقش جامعه در ساخت قدرت سیاسی، مشارکت اجتماعی و آزادی‌های فردی تأثیرگذار باشد. در این رابطه توسعه فضای مجازی به مثابه ساختار ارتباطی جدید نقش مهمی در توسعه سیاسی دارد. هدف از بررسی دیدگاه نظری، بررسی نقش فضای مجازی به عنوان زمینه جدید کنش ارتباطی بر توسعه سیاسی از گذر نظریه کنش ارتباطی هابرماس است. این مقاله با بررسی دیدگاه هابرماس در خصوص حوزه عمومی به عنوان نقطه عزیمت نظریه کنش ارتباطی نقش آن را بر شاخص‌های سه گانه توسعه سیاسی در بستر فضای مجازی تحلیل می‌کند. از این جهت، توجه به توسعه سیاسی بایستی با نقش تحولات گوناگون صورت پذیرفته در تحولات اجتماعی و تأثیرات آن بر خود آگاهی اجتماعی مد نظر قرارگیرد. نوع فرهنگ سیاسی به ویژه در جوامعی که از خصوصیات اجتماعی — فرهنگی و ساختارهای مذهبی، قومی، سیاسی و گروهی متکثر و متنوع برخوردارند، نمود بیشتری دارد و این امر در مورد جامعه ایران که از این تنوع ساختاری برخوردار است، صدق می‌کند. وجود گروه‌های قومی متعدد، گرایش‌های فرهنگی و مذهبی متفاوت و خصوصیات جمعیت شناختی پراکنده (به ویژه تفاوت‌های نسلی) و مواجهه با تغییرات و دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی عمده در قرن اخیر در شکل‌گیری فرهنگ‌های متفاوت و انعکاس این تنوع در جهت‌گیری‌های سیاسی جامعه ایران کاملاً مشهود است؛ اگرچه تئوری هابرماس در تئوریهای غربی جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده، اما

کاربرد این تئوری که ریشه در بورژوازی اروپایی داشته برای کاربرد در منطقه‌ای مثل خاورمیانه با چالش‌هایی مواجهه است. در سال‌های اخیر و حضور رو به تزاید و متراکم کاربران این شبکه‌ها، شاهد شکل‌گیری الگوهای جدیدی از روابط و تعاملات میان فردی و اجتماعی هستیم. افراد به هنگام حضور در شبکه، کوله‌باری از نگرش‌ها، تجربه‌ها و هیجانات مثبت و منفی خود را به درون شبکه می‌برند، و همزمان تحت تأثیر اطلاعات، کنش‌ها و تعاملات دیگران حاضر در شبکه قرار می‌گیرند و پذیرش واقعیت تکثرگرایی فرهنگی‌ها در جهان، موجب اذعان به مؤلفه‌هایی از این قبیل شده است که سیاست صرفاً بازتاب اقتصاد و ساختارهای آن نیست و نگرش و ارزش‌ها در دگرگونی نهادهای حکومتی و اقتصادی مهم‌اند. از این رویکرد توجه به فرهنگ سیاسی و نقش آن به ویژه در توسعه سیاسی مورد بازخوانی و تأکید قرار گرفته است. مقاله حاضر تأکید بر این سؤال اصلی دارد: نقش هویت و فرهنگ سیاسی در عملکرد فضای سایبری ایران چگونه است؟

همچنین در پاسخ به سؤال اصلی از این فرضیه اصلی مدنظر بود که فرهنگ سیاسی فضای مجازی در ایران

به ویژه شبکه‌های اجتماعی با توجه به خاستگاه غیریومی و عدم آگاهی و اشراف کافی نخبگان سیاسی – امنیتی در عمل نتوانسته است تأثیری بر ارتقاء و سوق دادن گفتگوها و افکار عمومی به سمت نقد، متمرکز کردن گفتگوها و مشارکت‌های مخاطبان بر مسائل مشترک و هدایت و بسیج عمومی به سمت کنشگری دموکراتیک و هویت ساز عمل کند.

۲- هویت و اشکال جدید ارتباطی در حوزه عمومی

گسترش فضای مجازی ذیل توسعه شبکه‌های اینترنت و فیرنوری باعث شکل‌گیری ابزارهای جدید ارتباطی در جامعه شد. فضای مجازی به محیطی ارتباطی اشاره دارد که افراد می‌توانند بر اساس حساب‌های کاربری خود در آن اقدام به تبادل اطلاعات و گفت و گوی فردی و گروهی بکنند. سال ۱۹۶۲ که هابرماس تحول ساختاری حوزه عمومی را نوشت، آغازی بود بر طرح یک حوزه جدید در تئوری‌های سیاسی، در این اثر هابرماس بدنبال آن بود که بداند تحت چه شرایطی مباحثه و گفتگو می‌تواند با ترکیب و پیوند گروه‌ها آغازگر یک کنش سیاسی باشد، زیرا حوزه عمومی اگر چه حوزه‌ای است برای گفتن و شنیدن، اما مستقیماً به اعمال قدرت مربوط می‌شود (رجایی، ۱۳۸۰: ۱۳۷)

در گذر عمر موضوع حوزه عمومی، نگاه‌های مختلفی به آن معطوف شده است، از کسانی که بدنبال طرح فئودالیزه و خان‌خانی شدن دوباره حوزه عمومی و تبلیغاتی شدن محور اصلی آن یعنی رسانه‌ها دیگر نقش و کارکردی برای آن قائل نبوده و نیستند تا کسانی که همراه با تحولات مختلف معتقدند گستره عمومی هنوز هم با ماست (داگلرن، ۱۳۸۹: ۲۱) و سعی داشته‌اند با بازتعریف آن، حوزه عمومی را به‌عنوان مفهومی امروزی در آثار علمی، تحقیقاتی و کاربردی خود مورد استفاده قرار دهند، حتی خود هابرماس هم معتقد است فناوری‌ها شکل‌گیری حوزه عمومی را ممکن می‌گرداند (هابرماس، ۱۳۹۴: ۵۷۵) در سال‌های اخیر در فضای مجازی مفاهیم تولید و توزیع رسانه‌ای دچار تغییراتی شده‌اند که متفاوت با مدل رسانه‌های سنتی است. این روزها دستگاه‌های رایانه شخصی، دوربین‌های دیجیتال، خطوط اینترنت پرسرعت و نرم‌افزارهای رایانه‌ای متنوع با قیمت پایین و فراگیری بالا، در دسترس تعداد زیادی از کاربران اینترنتی قرار گرفته است. به این ترتیب هر کاربر اینترنتی به راحتی و در مدت زمان چند دقیقه می‌تواند وبلاگ شخصی ایجاد کند و یا در انواع سایت‌ها عضو شود و محتوایی که تولید کرده اعم از متن، عکس، صدا و ویدئو را به راحتی منتشر کند. پس تولید رسانه‌ای در فرایندی متفاوت با رسانه‌های سنتی صورت می‌پذیرد و کاربران اینترنتی خود تولیدکننده محتوا در عرصه اینترنت، محسوب می‌شوند. از دیدگاه مایفیلد رسانه‌های اجتماعی گروهی از انواع جدید رسانه‌های آنلاین هستند. (Mayfield, 2008:1)

اینترنت یکی از فناوری‌هاست که به همه مشارکت‌کنندگان و کاربران، برای استفاده مشترک، فرصت برابر اعطا می‌کند و برخی هم معتقدند: این شبکه می‌تواند نقش «اگورای آتنی» را برعهده بگیرد و آلتا تورنتون درخصوص وجوه احیاءکننده حوزه عمومی از طریق اینترنت به موارد زیر اشاره می‌کند

۱. توانایی گروه‌های ذینفع کوچک برای یافتن ارتباط؛

۲. توانایی افراد و گروه‌های کوچک برای ارائه نقطه نظرات؛

۳. دستیابی به نقطه نظرات گوناگون؛

۴. بقاء و ماندگاری اطلاعات در اینترنت

۵. ارتباط دوسویه فرستنده و گیرنده (Thorntonm, 1996:25)

تنوع فرهنگ سیاسی به ویژه در جوامعی که از خصوصیات اجتماعی - فرهنگی و ساختارهای مذهبی، قومی، سیاسی و گروهی متکثر و متنوع برخوردارند، نمود بیشتری دارد و این امر در مورد جامعه ایران که از این تنوع

ساختاری برخوردار است، صدق می‌کند. وجود گروه‌های قومی متعدد، گرایش‌های فرهنگی و مذهبی متفاوت و خصوصیات جمعیت شناختی پراکنده (به ویژه تفاوت‌های نسلی) و مواجهه با تغییرات و دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی عمده در قرن اخیر در شکل‌گیری فرهنگ‌های متفاوت و انعکاس این تنوع در جهت‌گیری‌های سیاسی جامعه ایران کاملاً مشهود است.

با مرور بحث حوزه عمومی و نگاه‌های متفاوت به آن، می‌توان گفت: اگرچه تئوری هابرماس در تئوری‌های غربی جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده، اما کاربرد این تئوری که ریشه در بورژوازی اروپایی داشته برای کاربرد در منطقه‌ای مثل خاورمیانه با چالش‌هایی مواجه است. به عنوان مثال بی‌تردید یکی از مسائل عمده‌ای که در سال‌های بعد از انقلاب به ویژه در سال‌های اخیر مسئولان مطرح کرده‌اند مسئله بحران هویت است و در سیاست‌گذاری فضای مجازی در ایران لازم به توجه است. زمانی که فرد یا جامعه از عناصر هویت ساز خویش مانند دین، زبان، نژاد، قومیت و فرهنگ آگاهی نداشته باشند و یا عناصر هویتی جایگاه خود را به عنوان شاخص‌های شناخت یک جامعه از دست بدهند و عناصر دیگر نیز به جای آنها شناخته نشده باشند، فرد یا جامعه با بحران هویتی مواجه می‌شوند. با این اوصاف فرد برای خروج از این بحران بایستی به یافتن ارزش‌های مثبت و پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود بگردد، تا از درهم ریختگی و اختلال هویت که دائماً در رنج و عذاب است، رهانیده شود و هویت اصیل خویش را باز یابد.

آنچه امروزه بر اهمیت این بحران در جوامعی شبیه ایران افزوده، ناشی از عوامل بحران زای فرآیند ارتباطی است. در سه دهه اخیر، مجموعه‌ای از مفاهیم در خصوص بحران هویت در سطح خرد تا ملی و سطح جهانی به وجود آمده است. این مباحث در حال حاضر به طور یکپارچه با عنوان بحران هویت مطرح می‌شود. از نظر بایندر، بحران هویت بر مبنای ذهنی، ولی نه همواره احساسی به عضویت در یک جامعه سیاسی اشاره دارد. ابتدایی‌ترین عوامل بحران‌ساز هویتی از تنش بین مفاهیم فرهنگی و روانشناختی، هویت شخصی، گروهی، تعریف سیاسی جامعه، ایستارها و ارزش‌های حاکم، تناقض‌های حاکم و تناقض‌های پیش آمده از هویت ذهنی و سایر هویت‌ها ناشی می‌شود. مشکل هویت در جوامع مختلف با روش‌های متفاوت بروز کرده و امروزه به یک نگرانی جدی در حوزه سیاست تبدیل شده است. به اعتقاد بایندر، بحران هویت ضرورتاً، بحران یک کشور نیست، بلکه بحران عصر ماست. (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۹۲-۹۳)

به هر ترتیب، جوامع امروزی در فرایند گذار خود از بحران‌های متعددی، از جمله مشارکت، مشروعیت، توزیع، نفوذ و هویت عبور می‌کنند. نکته حائز اهمیت، پیچیدگی این بحران در دوره پساصنعتی است. این دوران با خصوصیات خاص خود که ناشی از فرایندهای ارتباطی نوین است، نوع جدیدی از بحران هویت را پیش روی جوامع (مانند ایران) قرار داده است. بحران هویت وقتی رخ می‌دهد که یک جامعه دریابد که آنچه تا کنون به طور درستی و بی چون و چرا به عنوان تعاریف فیزیکی و روانشناسانه «خودجمعی» اش پذیرفته است، حتی اگر در حوزه عمومی مطرح شده باشد و پذیرفته شده باشد، تحت شرایط تاریخی جدید، دیگر قابل پذیرش نیست. از طرف دیگر، نیروهای تدریجی و غیرمهیجی، مانند گسترش ارتباطات جهانی، می‌تواند بنیان هویت یک جامعه سابقاً منزوی را از طریق آگاه‌سازی مردم آن جامعه از یک دنیای کاملاً نوین از لحاظ فرهنگ سیاسی، متزلزل سازند. در واقع در اینجا شکل جدید ارتباطی باعث ایجاد هویتی جدید بین مردم شده است و این هویت گسترش یافته در فضای عمومی، گونه‌های غالب فرهنگ سیاسی را تغییر می‌دهد.

۳- هویت، فضای مجازی و امکان مشارکت کردن

فضای مجازی میزان مشارکت اجتماعی را افزایش داده است. به طوری که، حضور در کمپین‌ها، اخذ رأی برای پیگیری سیاستی خاص در عرصه اجتماعی بیشتر در فضای مجازی مورد سنجش قرار می‌گیرد که در این صورت بر افزایش تأثیرگذاری آن تأکید می‌شود. اگرچه هنوز کاستی‌هایی در این حوزه به خصوص در سازمان دهی مشخص برای افزایش مشارکت به خصوص در قالب‌های رسمی وجود دارد، مشارکت اجتماعی یکی از دستاوردهای مهم گسترش فضای مجازی به منظور تأثیر و توسعه در جامعه است، رسانه‌های اجتماعی ارسال بازخورد از سوی مخاطب و همکاری و همگامی با رسانه را تسهیل کرده‌اند و آنرا تشویق می‌کنند. این رسانه‌ها مرز و خط کشی بین رسانه و مخاطب را از بین برده‌اند.

گفتمان مشارکت کردن را بین مردم تغییر داده‌اند و دیگر مثل سابق عمل نمی‌کنند، برای مثال در سابق گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی، مجموعه پیچیده‌ای از عناصر مختلف از جمله نظریه شاهی ایران، پاتریمونیالیسم سنتی، گفتمان نوسازی به شیوه مدرنیسم غربی، قانونگرایی و مردم‌گرایی بود. در این گفتمان فرهنگ سیاسی کاملاً آمرانه بود و زمینه‌ای برای مشارکت و رقابت سیاسی ایجاد نمی‌کرد. اقتدارگرایی، توهم توطئه، فرهنگ خشونت و ستیز ویژگی‌های مشترک دو گفتمان فرهنگ سیاسی قبل از انقلاب بود. (شریف، ۱۳۸۱: ۱۰۳) البته این موضوع

نیز بعد از انقلاب ایران موضوع گفتمان مشارکت تغییر کرده است؛ برای مثال واژه عموم و خصوص و مشارکت کردن آن در گفتمان غربی و عربی تعاریف مجزایی دارد (و این نوع تعاریف زمانی پیچیده‌تر و غامض‌تر می‌شود که مسأله دین یعنی آنچه در تار و پود بافت اجتماعی منطقه تنیده شده مطرح می‌شود، موضوعی که هابرماس آن را مربوط به حوزه خصوصی زندگی می‌داند و نقشی برای آن در حوزه عمومی قائل نیست ولی در جوامعی مانند ایران موضوع متفاوت است. (Khamis, et al. 2012: 236)

اینترنت دارای قابلیت است که به واسطه آن افراد می‌توانند خودهای جدیدی را در مشارکت‌ها بسازند. این امور ممکن است در دنیای مادی اصلاً وجود خارجی نداشته باشند یا فرد به زعم خودش قادر به دستیابی به آن نباشد. اینها استفاده از فضای مجازی را برای کاربران جذاب‌تر می‌کند. بدین ترتیب، وب به مکانی برای معرفی و نمایش شخصیت فرد تبدیل می‌شود. البته قضیه به همین جا ختم نمی‌شود؛ زیرا امکان دارد که تصویر ارائه شده از سوی یک فرد بر روی وب، توسط دیگران به صورت‌هایی غیر از شکل مورد نظر وی تفسیر شود. (اسلوین، ۱۳۸۰: ۱۵۶). حتی امکان معرفی خود در سایت‌های مختلف به صورت‌های گوناگون وجود دارد. به‌طوری‌که افراد بتوانند در جریان مشارکت «هویت الکترونیک چندگانه‌ای» برای خود بسازند و هربار خود را به یک صورت نشان دهند. تلویزیون و سایر رسانه‌ها فاقد این ویژگی خاص فضای مجازی‌اند. درمجموع، هویت اینترنتی یا هویت مجازی با دیدگاه‌های متعارف درباره هویت جور نیست. دیدگاه‌های متعارف درباره هویت به دنبال کلیت سازی درباره مفهوم هویت و یکپارچه نشان دادن آن هستند و تأثیر کلی آنرا بر فرد در نظر می‌گیرند. (بل، ۲۰۰۱: ۱۱۴)

اما با این اوصاف در فضای مجازی استفاده از چنین تعاریفی برای هویت دشوار می‌شود و با گسترده‌تر شدن مرزهای هویتی، مرزبندی هویت واقعی و تخیلی در اینترنت و حتی امکان مشارکت در فرهنگ سیاسی مخدوش می‌شود. به هر حال، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی محصول درهم شکستگی هستی شناختی و پیچیده‌تر شدن فزاینده تفاوت‌های فردی هستند و با آن سنخیت تام دارند. امروزه حتی اعضای خانواده‌ها و همسایگان نیز به ندرت معنای واحدی از هویت در ذهن دارند، این مسأله نحوه مشارکت افراد در امور فضای مجازی را غیر اصل و غیر واقعی می‌داند. این امر تشخیص اصالت‌ها را روز به روز دشوارتر می‌سازد. آلن تورن به خوبی این شرایط به ظاهر تناقض‌آمیز انسانی را توصیف کرده است: «ما در سکوت زندگی می‌کنیم، در شلوغی به سر می‌بریم، منزوی هستیم، در دریای خلق گم شده‌ایم.» (تورن، ۱۳۸۰: ۱۶۰)

از این حیث، هویت مجازی را می‌توان با فرایند اساساً مدرن تشکیل هویت به وسیله خویشتن و رسیدن به فهمی از خود و هویت یابی مربوط دانست. فرد در دوره مدرنیته از جا کنده می‌شود و اضطراب‌های وی افزایش پیدا می‌کند. اینترنت نه تنها این وضع را متحول کرد؛ بلکه به آن شدت بخشید. در اینجا ساختار و فردیت به هم می‌رسند و توأم مهم‌ترین جنبه پست مدرنیستی اینترنت را می‌سازند. امکانات موجود برای انتخاب انواع متفاوت خروجی‌های اینترنت نه تنها فردیت کاربران را تقویت می‌کند؛ بلکه موجب تکرر بیشتر می‌شود. در عین حال، همزمان با افزایش میزان تفاوت‌ها در اثر رشد استفاده عمومی از اینترنت، جهان بینی‌های افراد واگراتر می‌شود. (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۸: ۷۸) لذا این نوع مشارکت‌ها همان طور که هابرماس می‌گوید در امور عمومی است، اما امور هویتی و فرهنگی را در امور خصوصی می‌داند. امروزه مشارکت در امور عمومی را در گروه‌ها و کانال‌های مختلف مجازی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به خوبی شاهد هستیم و از طرفی افزایش دسترسی به اطلاعات به منظور کسب حداکثر قدرت تصمیم‌گیری می‌تواند مشارکت را در کنار آزادی‌های فردی به ارمغان آورد. اینترنت شبیه یک بازار ارتباطی است و همین به تکرر هویتی و رشد فردیت کمک می‌کند و اشکال ابراز وجود شخصی را متنوع‌تر می‌کند، اما در عین حال نمی‌توان از این ایراد چشم پوشی کرد که وسایل ارتباطی به تدریج نقش فرایندهای در سست کردن مشارکت اجتماعات واقعی و ذره‌ای کردن جوامع انسانی دارد. همچنین اینترنت باعث رشد یک فرهنگ شخصی شده و حاصل تخیلات و تصورات و پندارهای فردی است. این امر به قیمت کاهش نفوذ کلیت‌های سیاسی بر هویت‌سازی‌های فردی تمام می‌شود و می‌تواند به شکل‌گیری منابع جدید هویتی بیانجامد (معینی علمداری، ۱۳۸۴: ۱۱۵-۱۱۶)

در تجزیه و تحلیل منصفانه‌ی تفکرات هابرماس باید تصدیق کرد که هابرماس با آن سابقه مارکسیستی خود به جایی می‌رسد که می‌گوید دین را در عرصه سیاسی نه تنها نباید با زور بیرونش کرد، بلکه به عنوان یک واقعیت که در حوزه عمومی می‌تواند مشارکت داشته باشد، باید قبولش کرد.

۴- هویت، فرهنگ سیاسی و فضای باز مجازی

اغلب رسانه‌های اجتماعی برای مشارکت اعضا و دریافت بازخورد باز هستند. آنها رأی دادن، کامنت گذاشتن و به اشتراک گذاری اطلاعات را تشویق می‌کنند. به ندرت مانعی برای تولید و دسترسی به محتوا در این رسانه‌ها

وجود دارد. همچنین این مسأله که حوزه عمومی مبتنی بر درجه‌ای از مدارا و همزیستی با سنت‌ها و تفکرات مختلف است، در حالی که این حقیقتی است که در جامعه سنتی به ویژه سنت قدیمی سنت حاکم است و خیلی پذیرای این موضوع نیست. برای مثال مرور حوزه عمومی مصر نشان می‌دهد حوزه عمومی و جامعه مدنی در زمان حسنی مبارک ضعیف بود، اما آن‌ها ناامید نبودند و عواملی وجود داشت که افراد می‌توانستند فضای خصوصی خود را ایجاد کنند، برخی از مردم قادر به انجام تعاملات در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی بودند، اما بخش اصلی سیاست و اقتصاد در کنترل دولت بود و در عمل موقعیت‌های ممتاز و موفق در اختیار ارتش و بوروکراسی اداری بود و فقط حوزه سرگرمی به عنوان فرصتی برای طبقه متوسط و سایر طبقات پیشنهاد می‌شد و می‌توان گفت دارای یک فرهنگ سیاسی بسته بودند. همانگونه که اشاره شد رسانه و بویژه رسانه‌های اجتماعی در شکل‌گیری حوزه عمومی آنالین و فضای باز بسیار مهم هستند، زیرا در حقیقت ظرفیت‌های رسانه‌های اجتماعی به شیوه‌ای متقارن به گفتگوهای آزاد و نقادی دیدگاه‌ها کمک می‌کنند و این در رژیم‌های اقتدارگرایی چون رژیم مصر با سیاست‌های رسانه‌ای خاص، نقش ویژه‌ای داشته است، تا جایی که وائل غنیم معتقد است: اگر رسانه‌های اجتماعی نبود وقوع تحولات انقلابی در مصر ممکن نبود، و مصطفی لاهلالی تأکید دارد: رسانه‌های اجتماعی، طیف وسیع برنامه‌ها، گفتگوهای انتقادی و عقلانیت را که در حوزه عمومی عربی مفقود شده بودند را احیا و تشویق نمودند. (lahlali,2011:66)

هیرشکاند هم معتقد است: ظهور وبلاگ نویسی که در سال‌های اخیر پنج نوع آن دسته بندی و مطرح شده است مورد استقبال قرار گرفت و امکان پیونددهی و دسته‌بندی علایق مشترک را فراهم نمود و الا این موضوعات همچنان مخفی می‌ماند و یا حداقل این امکان وجود نداشت تا در جریان کنش‌های سیاسی ابراز شوند. (Hirshkind,2010:24)

فرهنگ سیاسی در ایران با ظهور گفتمان انقلاب اسلامی بعد از انقلاب ۱۳۵۷ تکوین می‌یابد. در این گفتمان سنت اسلامی به عنوان راه حلی برای مسائل جامعه و عصر مدرن طرح شد. (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۹) گفتمان‌های مسلط فرهنگ سیاسی ویژه خود را دارند، در همان حالی که تحولات جامعه این فرهنگ‌های سیاسی را به چالش می‌کشند و خرده فرهنگ‌های سیاسی جدیدی را عرضه می‌کنند. در زمینه جامعه‌پذیری سیاسی در ایران عواملی چون دولت و دستگاه‌های ایدئولوژیک آن، نیروهای طبقاتی و دینی، فرهنگ جدید زنان و جوانان، رسانه‌های بین

المللی و تکثر قومی جامعه ایرانی دخالت دارند. این عوامل در همه زمینه‌ها متضاد نیستند، همچنانکه همیشه نیز همدیگر را تقویت نمی‌کنند. برای مثال: آزادی‌های فردی می‌تواند در برابر جوامع ایدئولوژیک به شدت آسیب پذیر بوده و انسان را دچار از خود بیگانگی و بدور از شناسایی خواست‌های فردی بکند. (قانع‌ی راد و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۱)

از جمله مشکلات فضای باز اینترنت، ایجاد تغییرات فرهنگی در مواجهه فرهنگ دینی با سازوکارهای فرهنگ غربی است. این مواجهه در سپهر سیاسی ایران در ترکیب سنت دینی با دموکراسی و فرهنگ سیاسی منتج از آن بازنمایی می‌شود. فضای باز اینترنت؛ امکاناتی را در اختیار شهروندان می‌گذارد که خارج از کنترل دولت ملی است؛ همین امر ناگزیر به تحول فرهنگ سیاسی منجر می‌شود. می‌توان گفت فضای باز اینترنت یکی از فاکتورهای فرهنگ جهانی شدن است، در سطح فرهنگ جهانی شدن موجد پیدایش جامعه مدنی جهانی شده است. اعتراضات بین‌المللی درخصوص بسیاری از امور جهانی (جنگ، محیط زیست، جنبش زنان و امثالهم) گویای این امر است. در خاورمیانه می‌توان امواج متداخل جهانی و محلی - دموکراسی و اسلام گرایی - را مشاهده کرد. این زمینه‌ها، فضای باز مجازی ساختارهای سابق را متحول کرده است، این ساختار سنتی سبب بیگانگی فرهنگی سیاسی توده‌ها از فرهنگ‌های سیاسی گفتمان‌های مسلط شده است. پیامد آن را می‌توان در آنچه جامعه‌شناسان «فروپاشی اجتماعی» نامیده‌اند، دید. (اباذری، ۱۳۷۹: ۴۱)

فروپاشی اجتماعی در سطح خرد و در مناسبات اجتماعی در افزایش عدم اعتماد، عدم مسئولیت پذیری و نابهنجاریهای اجتماعی قابل مشاهده است. در واقع فضای مجازی باعث آزادی‌های فردی می‌شود. البته نگاه هابرماس در کنش ارتباطی بر فضای واقعی بوده است، اما این چارچوب در فضای مجازی قابل تبیین است، یعنی از طرفی توسعه فضای باز مجازی باعث توسعه فردی و سیاسی شده است و از طرف دیگر این توسعه فردی در جوامع سنتی، مبتنی بر ایجاد تغییرات هویتی و فرهنگی در مواجهه فرهنگ دینی با سازوکارهای فرهنگ غربی شده است. با این وجود فضای مجازی با تولید مفاهیم جدید نیاز به شکل دادن آگاهی‌های فردی و اجتماعی دارد تا افراد از این فضا آسیب نبینند.

رسانه‌های سنتی عمل انتشار را انجام می‌دادند و محتوا را برای مخاطب ارسال می‌کردند، ولی در رسانه‌های اجتماعی فضایی برای گفتگو و محاوره دو طرف وجود دارد و جریان ارتباطی از حالت یک سویه به دوسویه تغییر پیدا کرده است.

از این رو، به صورت مبسوط به بررسی کنش ارتباطی هابرماس می‌پردازیم تا بتوانیم دست به تحلیل کنش ارتباطی در فضای مجازی ارتباطی بزنیم. نظریه کنش ارتباطی هابرماس از جمله نظریات جدیدی است که با توجه به کنش بین افراد جامعه دست به تبیین شکل‌گیری ساختارهای جدید می‌زند. هر چند فضای ترسیم شده عمدتاً در قالب گفتگو مد نظر است، اما می‌توان این نوع کنش را به حوزه عمومی در فضای مجازی نیز تسری داد. هابرماس نظریه پردازی است که در چارچوب سنت نظریه انتقادی گام بر می‌دارد و طی چند دهه حیات فکری خویش، در زمینه مقابله با انواع سلطه به خصوص سلطه‌های فکری تلاش کرده است. فلسفه عقلانیت ارتباطی، بر جهت کارایی عقل در الگوی مفاهیم متقابل تأکید می‌کند. «زبان»، که قلب این نوع عقلانیت را شکل می‌دهد، در کنار توانایی کار و تعامل اجتماعی، به عنوان یکی از ممیزه‌های بنیادین انسان به کار می‌رود. زبان در آنجا به عنوان واسطه‌ای در نظر گرفته می‌شود که انسان‌ها خودشان را از طریق آن بیان می‌کنند و به کنش‌ها و گفته‌های دیگران معنی می‌بخشند. زبان نه صرفاً به منظور انتقال اطلاعات، بلکه برای اجرای کنش‌های اجتماعی است، بنابراین، علاقه هابرماس به زبان در درون علاقه وسیع‌تر آنچه که «توانش ارتباطی» می‌نامد قرار می‌گیرد، یعنی در توانایی انسان‌ها، نه فقط نسبت به مشارکت در اطلاعات معنی‌دار، بلکه همچنین نسبت به خلق و ایجاد روابط اجتماعی و نسبت به تحقق تعامل اجتماعی مابین یکدیگر اطلاق می‌گردد. (Edgar, 2006: 77)

هابرماس، عقلانیت ارتباطی را به عنوان یک دیدگاه جدید و مستقل، اولین بار در کتاب دو جلدی خود تحت عنوان «نظریه کنش ارتباطی» ارائه داد. طبق این استدلال آدمی برای بقا و رشد و نمو بایستی هم قادر به کنترل محیط طبیعی خود باشد (از طریق علم و فن آوری) همچنین توانا به ارتباط مؤثر تا بتواند خود را از گروه‌های اجتماعی کارآمد و پیچیده سازمان دهد. بنابراین در آنجا، عقل ارتباطی که در قالب یک مدل هرموتیکی ایفای نقش می‌نماید، به عنوان مکمل برای عقل ابزاری مطرح می‌گردد. عقل ارتباطی به‌تنهایی کافی نیست و نیازمند

تکمیل شدن با تئوری انتقادی است تا به رسوخ در انحرافات نظام مند قادر باشد که به علت نابرابری‌های سیاسی موجود در جامعه امکان ارتباط را از میان برداشته است. عقل ارتباطی، باز تاباننده تمرین و پرورش یک توانایی بنیادین است که در همه انسان‌ها، حداقل به صورت بالقوه، موجود است. (حاتمی و روشن چشم، ۱۳۹۱: ۱۰۲)

این توانایی بنیادین عبارت است از قابلیت درگیر شدن با دیگری در استدلال انتقادی و عقلانی. عقلانیت ارتباطی، عقلانیتی است که به پیش‌فرض امکان گفتگو بر تمرین و پرورش عقل طی یک فعالیت جمعی و همگانی مبتنی است. عقلانیت ارتباطی، اولاً نه یک فرایند هرمنوتیکی، بلکه حاصل یک فرایندی است که شرکت‌کنندگان در یک گفت‌وگو یا در هر تعامل اجتماعی لازم می‌دانند که آنچه می‌گویند و انجام می‌دهند را توجیه نمایند. این فرایند باید چنان باشد که اگر گوینده‌ای توسط افراد دیگر به چالش کشیده شود، آن گوینده بخواهد و بتواند شواهد و دلایل لازم را در حمایت از باورهای خود، راجع به جهان و محق بودنش نسبت به انجام کنش‌هایی که اکنون انجام می‌دهد ارائه نماید. ولی اگر در مواجهه با چالش‌های موجه و معقول وی، فرمان خود را مثلاً از طریق تهدید به اجرا درآورد، آن وقت عقل ارتباطی فرو خواهد ریخت. (الهی منش و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۸) نهادینه شدن جامعه مدنی توسعه یافته و پویا نیازمند ارزش‌هایی چون مدارا، پذیرش اجتماعی دیگری و اتخاذ عقلانیت جمعی است. ارزش‌هایی که فرهنگ گروهی و فرقه‌ای فاقد آن است و اساساً در تضاد با آن قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، برجستگی فرهنگ‌های خاص گرایانه و ضعف بنیادهای جامعه مدنی در عرصه سیاسی می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی بینجامد، زیرا ثبات سیاسی در چارچوب یک نظام سیاسی نتیجه انسجام، یکپارچگی و اتحاد گروه‌ها و خرده فرهنگ‌هاست و چنانچه این گروه‌ها نتوانند به گونه‌ای مسالمت‌آمیز در کنار هم قرار گیرند و به تبادل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی دوسویه تن در دهند، ثبات سیاسی در سطح کلان سست و متزلزل خواهد شد.

از اینرو پیشنهاد می‌شود دو اصل در تحقیقات فرهنگی و اجتماعی فضای سایبر بر اساس نظریه کنش ارتباطی مفروض گرفته شود؛ اول اینکه نظریه کنش ارتباطی هابرماس که ناظر بر شکل‌گیری فضای عمومی است به صورت یک وضعیت ایده آل (بدون تمرکز بر هویت کشورها) در توسعه سیاسی در نظر گرفته می‌شود. دوم اینکه هم در ابعاد نظری و هم در ابعاد روشی در مطالعات فضای مجازی در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی نمی‌توان صرفاً به نظرگاه و روش‌های سنتی تکیه کرد و می‌بایست در نظر و روش و ابزارها، راه‌های جدیدی در پیش گرفت.

نظریه کنش ارتباطی می‌تواند بر شاخص‌های توسعه سیاسی و فرهنگی در جوامع، یعنی نقش جامعه در ساخت قدرت سیاسی، مشارکت اجتماعی و آزادی‌های فردی تأثیرگذار باشد. اما افراد در مواجهه با فضای مجازی و تکرر منابع در ساخت هویت، دچار تعلیق (به معنی معلق بودن و سردرگمی) می‌شوند.

۶- بحران هویت و شکل‌گیری جماعت‌های آنلاین:

رسانه‌های اجتماعی این امکان را برقرار می‌کنند که جماعت‌ها و گروه‌ها به سرعت شکل بگیرند و ارتباط مؤثری برقرار کنند. این جماعت‌های آنلاین می‌توانند پیرامون علایق مشترکی مانند عکاسی، یک تیم ورزشی یا یک برنامه تلویزیونی شکل گرفته باشند این جماعت‌های آنلاین به نوعی دچار بحران هویت می‌شوند، برای تبیین بحران هویت در فضای مجازی، توجه به یک نکته مهم ضروری است. جوامع در حال گذار، عمدتاً در حال سپری کردن و مواجه شدن با بحران‌های هویت دوره تاریخی خود معادل با دوره صنعتی شدن اروپا بوده‌اند. با این حال، به طور گریزناپذیر با پدیده‌های جهانی شدن و فضای مجازی در فرایند ارتباطات نوین مواجه شده‌اند. دوره تاریخی جدید نیز همراه خود، نوعی از عناصر بحران‌زای هویتی را حمل می‌کند و مسأله کشورهای در حال توسعه از آنجا پیچیده‌تر می‌شود که این کشورها هم زمان بدون طی دوره تاریخی خود بحران‌های تو در تو هویتی را تجربه می‌کنند که ناشی از روهم افتادگی دو دوره تاریخی است.

به نظر کاستلز، سیاست‌های مربوط به هویت را باید در جایگاه تاریخی خود بررسی کرد. یکی از عوامل مهم در تاریخ و جغرافیا، مؤلفه فضای مجازی و قدرت آن است که نیروی قوام بخش هویت و بسیاری دیگر از پدیده‌ها و فراورده‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی است. جهانی شدن نیز روندی تاریخی و دگرگونی‌ای مفهومی است که تغییرات و تحولاتی را در برداشت‌ها، باورها، اندیشه‌ها و سلیقه‌های ملت‌ها به همراه دارد و دامنه آن هویت فرهنگی را نیز فرا گرفته است. جهانی شدن و فضای مجازی به‌طور مداوم و گسترده با شیوه‌ها و داده‌های مختلف به‌نوعی دائماً در حال ایجاد تغییر در باورها، انگاره‌ها، عقاید، ارزش‌ها، چشم داشت‌ها و حتی نیازها هستند. بسیاری معتقدند مهمترین عامل هویت ساز «معنا» ست و این معناست که دائماً در عصر اطلاعات در حافظه تاریخی جوامع دست خوش تغییر، هر چند تدریجی، می‌گردد. کاستلز با توجه به اهمیت معنا در عصر اطلاعات و تلاش کنش‌گران مختلف اجتماعی جهت نیل به معنایی خاص، آن را در تقابل با مفهوم قدیمی «کارکرد» قرار می‌دهد که از سوی نهادهای مسلط اعمال می‌شود. این هویت ناشی از هنجارهای اجتماعی است و وابسته به

روابط و ترکیب و چینش افراد، نهادها و سازمان‌های جامعه است. هویت منبع معنا برای خودکنش‌گران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن، ساخته می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳)

۷- هویت، فیسبوک و حوزه عمومی

علاوه بر اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون فیسبوک، به دنبال ایجاد جوامع مجازی هستند. این جوامع مجازی بر اساس ساختار و تعاریف خود به طبع دارای ارزش‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هستند. به طوری که این جوامع مجازی توانسته‌اند مفاهیمی چون «دوست»، «ارتباط»، «خانواده»، «هویت» و حتی مسائلی جزئی مانند نحوه احوال‌پرسی کردن را بازتعریف کنند. اگرچه کاربران خود در شکل‌دهی این جوامع نقش چشم‌گیری ایفا می‌کنند، اما قوانین این جوامع مجازی و گفتمان حاکم بر آنان در تأثیرگذاری و شکل‌دهی هویت اعضای خود نقش مهمی ایفا می‌کنند. ابتدایی‌ترین تأثیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر کاربران این است که هویت فعلی او را به چالش می‌کشند؛ ابتدا کاربر را از خود واقعی تهی می‌کنند و سپس به او فرصت می‌دهند خود ایده‌آلش را بروز دهد، درحالی که به طور ناخودآگاه، این خود جدید در فضای گفتمانی شبکه‌های اجتماعی بر ساخته شده است. شبکه‌های اجتماعی صحنه‌ای فراهم می‌آورند که کاربران می‌توانند از هر جنسیت، سن، طبقه اجتماعی، نژاد و قومیتی که باشند، در آن ظاهر شوند و نقش دلخواه خود را بازی کنند.

در این سطح، شبکه‌های اجتماعی مجازی، کاربر را به هویتی فرم‌دار شده با مشخصات منحصر به فرد سوق می‌دهند. در واقع با شبکه‌های اجتماعی مجازی این قابلیت به فرد داده می‌شود تا خود را هرگونه که می‌خواهد، فراتر از هویت واقعی خود در جهان فیزیکی بازتعریف و روایت کند. بنابراین، با قبول این فرض که شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در درون جامعه مصرفی خلق شده‌اند، خود منشأ بازتولید مکرر چنین جامعه‌ای می‌شوند. ریچارد بارتل اینگونه استدلال می‌کند که دنیاهای مجازی برای مردم آینه‌ای را فراهم می‌آورند که هر چه فرد تصویر خود را در آن مانوس‌تر با خود واقعی یا ایده‌آلش بیابد، بیشتر با آن ارتباط برقرار می‌کند. (بارتل، ۲۰۰۴: ۱۶۴)

در واقع، راز موفقیت و جذب کاربر برای وب سایت‌های عمده این است که کاربر خود را در آینه جهان مجازی پیش رویش ببیند. بدین ترتیب، در باب هویت در دنیای مجازی، مسأله این است که کاربر چه میزان انعکاس تصویر خود را در این آینه می‌پسندد. زمانی این تلقی وجود داشت که هویت افراد در فضای مجازی،

هویتی ناشناخته و چندگانه است، اما اکنون کاربران ادامه هویت تعریف شده خود در فضای مجازی را به صورت آفلاین پی می گیرند و یا در فعالیت های آفلاین در بسیاری از مواقع برای خود نام و نشان تعریف می کنند و با آن همزاد پنداری زیادی دارند. بنابراین، معادلات پیشین هویت دچار تحول شده است. بدین ترتیب، بازتعریف هویت فردی و اجتماعی در فضای مجازی در ابعاد گوناگون قابل بررسی است. در این فضا، همگرایی جامعه مصرفی و تخصص حرفه ای تولیدکنندگان و تجار به بازآفرینی مفاهیم انسانی چون بلوغ، سن و مراحل مختلف زندگی انجامیده است. شاید این تعجب برانگیز باشد که مفاهیم انسانی با ابعاد زیست شناختی مانند بلوغ نیز در دنیای مجازی تعبیر جدید بیابند، اما ریشه استحاله این مفاهیم ناشی از تأثیرگذاری قوی فضای مجازی بر نوع تفکر کاربران است. (کاتز و مارشال، ۲۰۰۶: ۴۴)

همان گونه که بارتل (۲۰۰۴) خاطر نشان می کند: «هویت، حاصل تفکر است که در قالب های گوناگون (در عمل یا در قالب لغات) ظهور می کند.» و با توسعه عرصه مجازی زندگی بشر، این حقیقت غیرقابل انکار است که این فضای مجازی با کاربر ارتباطی دوسویه قرار دارد؛ نحوه تفکر او را تحت تأثیر قرار می دهد و در مقابل گستره وسیعی را فراهم می آورد که کاربر هویت خود را در آن براساس ترجیحات خود ابراز می کند و به منصفه ظهور می رساند. به عبارت دیگر، فضای مجازی امروز تنها آینه منعکس کننده کاربر مقابل خود نیست، بلکه تا حد زیادی چگونگی کیفیت کاربر خود را نیز تعریف می کند. زمانی، تلقی منتقدین فرهنگی این بود که چون فضای مجازی عرصه ای است که مهندسان فنی و نه مهندسان فرهنگی آنرا ساخته اند، بنابراین نقطه ضعف آن عدم وجود روایت است. (بل و کندی، ۲۰۰۰: ۲۳۴) اما امروز دنیای مجازی آنچنان با زندگی و فرایند هویت سازی بشر درآمیخته است که نه تنها روایت های بی شمار در آن قابل درک است، بلکه این روایت ها بر روایت دنیای واقعی پیشی گرفته اند؛ چنانکه بودریار از «فراواقعیت» مجازی سخن می گوید و به قول آنجل آدریان: «همان قدر که تجارت الکترونیک از تجارت جدا نیست، هویت های الکترونیکی در فضای مجازی نیز از هویت های واقعی قابل بازشناسایی نیستند.» (آنجل آدریان، ۲۰۰۸: ۳۶۶)

اغلب شبکه‌های اجتماعی همیشه در حال گسترش اتصالات و ارتباطات شان هستند و با سایت‌ها، منابع و افراد دیگر پیوند برقرار می‌کنند. رسانه‌های مشارکتی شامل وبلاگ‌ها، ویکی‌ها، سرویس آر.اس.اس، سرویس‌های تسهیم فیلم، عکس و موزیک، پادکست، داستانگویی‌های دیجیتال، اجتماعات مجازی، سرویس شبکه‌های اجتماعی، محیط‌های مجازی و ویدئو بلاگ‌ها می‌باشند. اما به همین موارد محدود نمی‌شوند. این رسانه‌ها با سه ویژگی مشترک و بهم پیوسته مشخص و متمایز می‌شوند. (Rheingold, 2008: 100)

صدای عموم نه تنها با ویژگی فعال بودن بلکه با ویژگی «زایا» بودن می‌تواند توصیف شود. یک «عامه» زمانی نمود می‌یابد که با ایجاد برخی متون در برخی رسانه‌ها خود را مشخص و متمایز سازد. با نوشتن یک لیست وبلاگی درباره یک موضوع، یک بلاگر، مردمی را با علایق مشترک گردهم می‌آورد و رابطه‌ای میان غریبه‌ها ایجاد می‌نماید که احتمالاً به شیوه دیگری امکان وجود نداشت. ایجاد یک ویکی درباره یک مسأله محلی این پتانسیل را دارد که سرعت عامه‌ای ایجاد نماید که قادر به مطلع سازی خویش و ایجاد بحث و گفتگو است و حتی می‌تواند کنش جمعی را سازماندهی نماید. (Rheingold, 2008: 102)

معرفت به تمامیت خود نزد هیچ ذهن منفردی یافت نمی‌شود، بلکه هر ذهن شناسنده‌ای بهره‌ای خاص نزد خود دارد که بایستی ما تلاش کنیم زمینه چکاندن آن بهره و نیز به هم پیوستن این بهره‌ها و راه افتادن جویبار معرفت را فراهم سازیم. فرایند عقلانیت ارتباطی که دربردارنده یک عمل ارتباطی است که معطوف به حصول، حفظ و تجدید وفاق و اجماع است و در واقع معطوف به اجماعی است که مبتنی بر پذیرش بین‌الذهانی داعیه‌های نقدپذیر اعتبار باشد. عقلانیت موجود در درون این عمل، در این امر نهفته است که یک توافق به دست آمده بر اساس ارتباط، سرانجام بایستی بر استدلال‌ها متکی باشد و عقلانیت کسی که در این عمل ارتباطی مشارکت می‌نمایند از این طریق معین می‌گردد که آیا آن‌ها توانسته‌اند در مواقع لزوم و تحت شرایط مناسب، دلایلی برای اظهارات خود فراهم نمایند، یا نه (هابرماس، ۱۳۸۲: ۸۵)

هویت در محیط مجازی به طور مشخص متفاوت با هویت در محیط واقعی است؛ زیرا تفاوت بین محیط‌ها وجود دارد. شخص مختار است از هویت واقعی‌اش در محیط مجازی استفاده کند یا نکند. در محیط مجازی،

شخص هویتش را در مسیری شکل می‌دهد که او می‌خواهد آن را در مقابل دیگران به نمایش بگذارد. به عبارت دیگر، او هویتش را به دیگران تحمیل می‌کند. تماماً سه ویژگی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را بیان می‌کند: به هم فشردگی فضا- زمان، حس نکردن مکان و محدوده‌های محو شده و جماعت تغییر یافته، باید توجه داشته باشیم که ضروری است هر انسانی در یک فضا یا زمان خاص قرار گرفته باشد. (پراپروتینیک، ۲۰۰۴: ۱)

هویت نقشی کلیدی را در ارتباطات مجازی ایفا می‌کند. بعضی مدعی‌اند توانایی استقرار یک هویت بدون بدن و مستقل از ارزشمندترین جنبه‌های فرهنگ آنلاین است که به مردم اجازه می‌دهد نقش‌ها و روابطی را که به گونه‌ای دیگر هستند، جستجو کنند؛ اما دیگران ادعا می‌کنند گمنامی، بی‌مسئولیتی و رفتار خصومت‌آمیز را تشویق می‌کند. واقعیت مجازی امکان انواع تجارب ذهنی را فراهم می‌سازد که می‌توانستند انواع مدرن سلطه را منقطع یا متوقف کنند. توانایی واقعیت مجازی در فراگرد خودش نهفته است و اشخاص می‌توانند در یک محیط با واسطه کامپیوتری خاص، خود و جهان را بازسازی کنند. بنابراین، واقعیت مجازی و کارکردهای این راه، می‌تواند در جهت غیرطبیعی کردن فرضی درباره هویت‌های طبیعی داده شده، عمل کند. در اتاق‌های گفتگوی مجازی مردم می‌توانند دقیقاً «به چیزی که آن‌ها می‌خواهند باشند» یا «دقیقاً چطور می‌خواهند مردم دیگر آن‌ها را ببینند» تبدیل شوند (پراپروتینیک، ۲۰۰۴: ۳) ماهیت مکان و فضا در دنیای دیجیتال کاملاً دگرگون شده است. امروز، دنیای واقعی با دنیای مجازی چنان در هم فرو رفته که تفکیک آن دو بسیار دشوار شده است. زمان، مفهوم مکان‌مند گذشته را ندارد. فرهنگ‌ها به شدت در هم ادغام شده و خلوص مکانی و زمانی دیروز خود را از دست داده‌اند. بنابراین، طبیعی است که هویت در بند مکان- زمان و فرهنگ مکان‌مند و زمان‌مند در فضای جدید دچار بحران شود. (پراپروتینیک، ۲۰۰۴: ۳۷)

شاید بتوان بحران‌های ناشی از گمنامی را در دو دسته تقسیم کرد: یک دسته بحران‌های کلی ناشی از مواجهه انسان با فضای مجازی است که از آن به اضطراب دیجیتال یاد می‌کنند و دوم، بحران‌های ناشی از هویت‌های مجازی عاملی اضطراب را به سه دوره: اضطراب طبیعی، صنعتی و دیجیتال تقسیم می‌کند. اضطراب دیجیتال اضطرابی است که ناشی از ظهور صنعت ارتباطات همزمان و انفجار اطلاعات و مواجهه با انبوهی از دانستنی‌ها و ندانستنی‌هاست که انسان را گرفتار ناتوانی در مدیریت ارتباط و بی‌تعادلی هم در حوزه ارتباطات درون فردی و هم در حوزه ارتباطات بین فردی می‌کند که جهان بیرونی و عینی انسان را تشکیل می‌دهد. وی ادامه می‌دهد:

جهان مجازی درون خود، انسان را با فضاهای جدیدی مواجه کرده است که برای بعضی قابل فهم است و برای بخش عظیمی از جمعیت جهان؛ منشأ گم گشتگی، غربت، تنهایی، تضاد و سردرگمی است. علاوه بر این، عدم انطباق جهان مجازی با جهان واقعی زمینه‌ساز اضطراب‌های جدیدی است که در گذشته تجربه نشده است. (عاملی، ۱۳۸۸: ۴۸)

بحران‌های ناشی از هویت‌های ساختگی با توجه به اینکه فرد معمولاً امکان انتخاب هویت‌های دیگری دارد که در نظر دیگران مطلوب‌تر یا خاص‌تر جلوه می‌کند، به وجود می‌آید. در این صورت، فرد هنگام استفاده از امکانات ارتباطی مجازی، هویت واقعی خود را که در سراسر زندگی واقعی با آن درگیر است، کنار می‌گذارد و با هویت جدیدی مواجه می‌شود. به این ترتیب، معناهای جدیدی وارد ذهن فرد می‌شود و هویت جدیدی در کنار هویت واقعی و قدیم او قد علم می‌کند که ذهن فرد را درگیر و دچار بحران می‌کند؛ زیرا این دو هویت در وضعیت همزمانی قرار می‌گیرند و فرد نمی‌تواند به راحتی مفاهیم و خصایص هویتی جدید را با هویت قدیمی و همیشگی‌اش تطبیق دهد و یا اساساً ممکن است میان آن‌ها تعارض پدید آید. این بحران احتمال خستگی، تنش، فشار عصبی و ناکامی را برای فرد به همراه می‌آورد. این بحران به خصوص برای کسانی به شکل جدیدتر مطرح می‌شود که تغییرات هویتی فراوان در فضای مجازی برای خود ایجاد می‌کنند و تطابق و هماهنگ کردن این تغییرات با هویت واقعی برایشان دشوارتر می‌شود. همچنین کسانی که در جهان واقعی امکان برخی رفتارهای ناهنجار اجتماعی یا ارتباطات خاص را ندارند، در این فضا این امکان را به دست می‌آورند و ممکن است در وضعیتی قرار گیرند که اعمال آن‌ها در قالب هویت مجازی با هنجارهای اجتماعی زندگی واقعی به شدت در تعارض باشد؛ به این ترتیب، دچار بحران بزرگتری خواهند شد. (خلقتی، ۱۳۸۷: ۳)

۹- تحلیل نظریه کنش ارتباطی و چارچوب‌های مجازی آن

نظریه کنش ارتباطی، یکی از شناخته شده‌ترین ایده‌های هابرماس است که در آن کنشگران برای رسیدن به یک درک مشترک از طریق استدلال، وفاق و همکاری با همدیگر ارتباط متقابل برقرار می‌کنند. در واقع هابرماس از طریق این نظریه می‌کوشد تا ثابت نماید که منازعات اجتماعی به طور ایده‌آل می‌بایست بدون قهر و خشونت

حل و فصل گردد و برای رسیدن به این منظور، بایستی نظامی اجتماعی تحقق یابد که در آن تصمیمات و به اجرا درآوردن آن‌ها، از طریق استدلالی صورت گیرد. (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۵: ۳)

هابرماس برای رسیدن به این ایده، از مفهوم عقلانیت شروع می‌کند. عقلانیت از نظر او، به معنی از میان برداشتن موانعی است که ارتباط را تحریف می‌کنند، اما به معنای کلی‌تر، نظامی ارتباطی است که در آن افکار آزادانه ارائه می‌شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند، طی این نوع استدلال، توافق غیرتحمیلی توسعه می‌یابد. برای فهم این قضیه، «هابرماس از مفاهیم جهان‌زیست و نظام کمک می‌گیرد. به نظر او همبستگی جوامع به وجود رابطه متعادل بین فرآیندهای جهان‌زیست (فرهنگی - اجتماعی) و نظام (اقتصادی - سیاسی) بستگی دارد. (نوذری، ۱۳۸۹: ۲۱)، در جوامع مدرن این تعامل به نفع نظام جا به جا شده است و باعث بروز بحران شده است. راه حل این بحران بازگرداندن این تعادل و توجه به حوزه عمومی است که این حوزه از طریق ایجاد کنش ارتباطی متقابل احیاء خواهد شد. (Habermas, 1972: 8)

به طور کلی، هابرماس درصدد ایجاد رابطه‌ای بین سطوح خرد و کلان می‌باشد و این رابطه را از طریق ایجاد کنش ارتباطی متقابل بین کنشگران پیگیری می‌نماید و کنش ارتباطی را به عنوان مرکز و اصل تئوری خود قرار می‌دهد. جامعه مور نظر هابرماس، جامعه‌ای است که کنشگران می‌توانند بدون تحریف و به‌طور باز با یکدیگر ارتباط داشته باشند و به درک مشترک برسند و تفاوت‌هایشان را از طریق استدلالی که آزاد و فارغ از محدودیت‌ها و فشار می‌باشد برطرف نمایند. به عبارت دیگر، هابرماس دوباره حوزه عمومی را احیاء کرده تا زمینه برای کنش ارتباطی بین کنشگران فراهم گردد. فضای مجازی به منزله عرصه تبادل اطلاعات و امکان برقراری ارتباط به صورت فردی و گروهی بستر ساز شکل‌گیری حوزه جدیدی است. به عبارتی، فضای مجازی فارغ از سطوح فنی و نرم افزاری به وجود آمده ارتباط میان اعضای جامعه در ساختار ارتباطی نوین است. اگرچه در نگاه نخست فضای مجازی به دلیل نوپا بودن در جوامع کمتر مورد اعتماد و اطمینان شهروندان قرار می‌گیرد، با این حال فضای مجازی به دلیل ایجاد کننده بودن سطح برابری و امکان گفتگو و حتی گفتگوی گروهی تبیین‌گر حوزه عمومی است. (جعفری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۰)

هابرماس در شکل دادن به حوزه عمومی که نقطه عزیمت نظریه وی به شمار می‌رود، کمتر به زیرساخت‌های ارتباطی در گذر زمانی توجه کرده بود و شکل دادن به این حوزه در جامعه انسانی که بر اساس ارتباطات چهره

به چهره و در قالب‌های حزبی قرار داشتند، بسیار دشوار می‌نمود. فضای مجازی بستری از کنش ارتباطی که هابرماس در نظر دارد را می‌تواند با قابلیت بالا در خود داشته باشد. امکانات فضای مجازی به خوبی تبیین کننده این ساخت می‌باشد، به گونه‌ای که حتی فضای مجازی از حصار ملت‌ها عبور کرده و قابلیت جهانی و فراملی را نیز بخود می‌گیرد. برای نمونه تشکیل گروه‌های متنوع مانند حقوق حیوانات در فضای مجازی و امکان پیوستن افراد و دعوت آنان به گروه که اختیارات گفتگو و مطالعه مباحث را برای اعضا تأمین می‌کند، علاوه بر اینکه فارغ از فضای اقتدارگرایی است، حتی افراد می‌توانند با پروفایل‌های جعلی حضور داشته و خواسته‌های خود و نظرات خود را به راحتی بیان کنند. (Cavelty, 2007: 146)

به عبارت بهتر، افراد در حوزه عمومی از طریق مفاهیم، استدلال و در شرایطی عاری از هرگونه فشار، اضطراب یا اجبار درونی (خودخواسته) یا بیرونی (قهری) و بر مبنای آزادی و آگاهی تعاملی و در شرایط برابر برای تمام طرف‌های مشارکت کننده در حوزه عمومی مذکور، مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری را تولید می‌کنند که در نهایت به صورت ابزاری مؤثر برای تأثیرگذاران بر رفتار و عملکرد دولت به ویژه در عقلانی ساختن قدرت دولتی عمل می‌کنند. (Habermas, 1984: 81)

بر این اساس، فضای مجازی بستر ارتباطی است که به خوبی با تشکیل اتاق‌های گفتگوی مجازی و موردی پیرامون موضوعات سیاسی و اجتماعی امکان عقلانی شدن و تحت تأثیر قرار دادن رفتار دولتی بر اساس خواست اجتماعی را تولید کند. اگرچه زمانی سخن گفتن از اینگونه فضای عمومی آرمان‌گرایانه به نظر می‌رسید، اما اکنون با توسعه فضای مجازی تا حدود قابل توجهی این آرمان تحقق پیدا کرده است.

۱۰- فضای مجازی و بحران هویت در ایران

همانطور که اشاره شد نظریه کنش ارتباطی هابرماس می‌تواند باعث رفتار عقلایی دولت‌ها بر اساس خواست اجتماعی شود، البته بایستی به این نکته نیز توجه کرد که زیرساخت‌های فضای مجازی به واسطه دولت‌ها توسعه می‌یابد و ممکن است محدودیت‌ها و کنترل‌هایی بر آن اعمال شود، عمده این کنترل‌ها توسط دولت‌ها می‌تواند در ایجاد بحران‌های هویتی توسط فضای مجازی بررسی شود. در بررسی بحران هویت ناشی از فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی در ایران، نمی‌توان بحران‌های هویتی ناشی از دوران گذار جامعه ایران را نادیده گرفت. به

اعتقاد ربیعی، جامعه ایران امروز با دوگونه بحران هویتی با دو منشأ و علل مختلف رو به رو است. مطالعات گسترده در خصوص بحران‌های دوران صنعتی شدن در جوامع مختلف نشان می‌دهد این گونه جوامع در معرض بحران‌های ناشی از تغییرات ساختاری در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاست و اجتماع قرار می‌گیرند. جامعه امروز ایران در عین حال که بحران‌های هویت ناشی از یک دوره تاریخی را با خود حمل می‌کند، در سه دهه اخیر با بحران‌های دوره تاریخی فراصنعتی بدون آن که به طور طبیعی وارد این دوره شده باشد نیز رو به رو شده است. بیشتر تحقیقات انجام شده در مورد اینترنت نشان می‌دهد اکثریت کاربران اینترنت در ایران به نسل جوان تعلق دارد. بنابر یک تقسیم‌بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران اینترنتی در ایران بوده و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از اینترنت، از جمله مسائل هویتی و بحران هویتی قرار می‌گیرند. فارغ از شکاف‌های به وجود آمده ناشی از فرایند رسانه‌های نوین، شکاف نسلی موجود ناشی از تحولات ساختاری و جمعیتی جامعه ایران باعث شده است انتقال ارزش‌ها و آموزه‌ها در قالب سنت از نسلی به نسل دیگر با اختلال رو به رو شود. این پدیده از یک سو، به روند انتقال فرهنگ آسیب می‌رساند و از سوی دیگر، حافظه تاریخی را مختل می‌سازد و بدین ترتیب، انتقال تجربیات سیاسی و فرهنگی دوره‌های پیشین به زمان حاضر با دشواری انجام می‌شود. (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۶۶-۱۶۵)

یکی از ویژگی‌ها و نیازهای ضروری جامعه جوان ایرانی، کسب هویت اجتماعی (دینی و ملی) است و هویت اجتماعی جوانان، در صورتی کسب می‌شود که نظام اجتماعی از طریق نهادهای واسطه خانواده، مدرسه، رسانه‌های جمعی و دولت، زمینه‌های لازم را برای کسب هویت اجتماعی آنان فراهم کند. در این صورت، آحاد جامعه نسبت به نظام اجتماعی خود، احساس هویت اجتماعی خواهند کرد و به طور طبیعی، گرایش‌های آنان که به سه سطح ایستاری، (شناختی و ارزشی)، کنشی (هنجاری و رفتاری) و نمادی (ظاهری) تقسیم می‌شود براساس الگوها و هنجارهای نظام اجتماعی شکل خواهد گرفت. (اوت و شومیکر، ۱۳۷۶: ۹۸)

در واقع، در دنیای کنونی که انفجار اطلاعات در آن به وقوع پیوسته و بخش عظیمی از انسان‌ها و به ویژه جوانان در معرض پیامدهای آن قرار گرفته‌اند؛ هویت، مبنا و معنای گذشته خود را از دست داده است و شدت و دامنه تغییرات هویتی در نسل‌های جدید به حدی است که دربرخی موارد چالش‌ها و بحران‌های هویتی را پدید آورده است و برخلاف گذشته، فرآیند انتقال هویت بیش از آن که در زمینه ارزش‌ها، باورها و رفتارها باشد از

شبکه‌های مجازی، رسانه‌ها، صنعت فرهنگ، همسالان و جوانان دیگر متاثر هستند. شبکه‌های اجتماعی عاملی تأثیرگذار بر هویت اجتماعی جوانان هستند و با افزایش مدت زمان عضویت، میزان استفاده، میزان مشارکت و فعالیت و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه شده در این شبکه‌ها هویت ملی و دینی کاربران تضعیف می‌شود. (قادری، ۱۳۹۰: ۶۲)

با گسترش روزافزون رسانه‌های نوین همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی، به ویژه در جوامع در حال گذار، روند نوسازی به تضعیف پیوندهای سنتی می‌انجامد. این رسانه‌ها می‌توانند در نگرش‌ها و رفتار شهروندان تأثیر گذارده و باعث کاهش همدلی، احساس تعلق ملی و انسجام اجتماعی شوند. (کوهی و حسنی، ۱۳۹۱: ۹۶) اینگلهارت با طرح مفهوم انقلاب خاموش، بر این نظر است که ورود سریع ارزش‌ها و ایده‌های جدید از طریق تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌تواند گسست‌های جدی در مبانی هویتی جامعه ایجاد کند. همچنان که کاستلز بیان کرده است ماهواره و اینترنت با دگرگون ساختن بنیادین ماهیت ارتباطات، نقش تعیین کننده‌ای در تغییر و شکل دهی فرهنگ‌ها و هویت ملی شهروندان ایفا می‌کنند. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۸۴-۳۸۳)

علاوه بر آن، پاستر بر نقش اینترنت در گسترش فرهنگ و هویت و روش جدید ساخته شدن هویت ملی تأکید کرده است. در این ارتباط، وی فرایند جهانی شدن رسانه‌ها را با به وقوع پیوستن افول هویت ملی تحلیل کرده است. (پاستر، ۱۳۷۷: ۵۲) پدیده مهم دیگری که از بحران هویت به وجود می‌آید، ترکیبی از بحران هویت فردی و اجتماعی است. شواهد نشان می‌دهد وقتی افراد در معرض فضای مجازی قرار می‌گیرند، به نوعی از دگرخودپنداری از خویش مبتلا می‌شوند. این پدیده که در روانشناسی از آن به بیماری امپاتی یاد می‌شود، وضعیتی پدید می‌آورد که افراد در فضای مجازی، خود را در شرایطی ایده‌آل و دست نیافتنی‌تر تعریف می‌کنند و در مواجهه با واقعیت دچار نوعی بحران می‌شوند. به نظر می‌رسد این بحران، پایه ساز بحران‌های سیاسی و اجتماعی در جوامع در حال توسعه می‌باشد.

۱۱- نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شد به نقش هویت و فرهنگ سیاسی در عملکرد فضای سایبری در ایران بر اساس نظریه کنش ارتباطی هابرماس پرداخته شود. عمده توجه هابرماس در نظریه کنش ارتباطی پیرامون فضای عمومی و

شکل‌گیری وضعیت ایده‌آل گفتگو استوار است که این گذر را به عنوان به هم ریختن نظم سستی و فئودالیستی برای توسعه سیاسی جوامع مورد توجه قرار می‌دهد. آنچه که در حوزه عمومی مورد توجه است امکان کنش ارتباطی و ساختاربندی زیست جهان به عنوان منطق عمل و آگاهی اجتماعی است که در ساختار سرمایه‌داری و فئودالی توسط سیستم تسخیر و به حاشیه رانده می‌شود. فضای مجازی به عنوان ابزار ارتباطات در جوامع زمینه‌ساز شکل‌گیری گفتگو و کنش ارتباطی است که کمتر با محدودیت‌های مکانی و زمانی مواجه است. فضای عمومی به عنوان تلاقی میان خواسته‌های فردی و منطق اجتماعی در جوامع تبیین‌کننده نقش جامعه در ساخت قدرت است. به عبارت بهتر، فضای عمومی قابلیت نقش‌آفرینی جامعه در ساختار سیاسی، همین‌طور تأکید بر آزادی‌های فردی به صورت آگاه‌سازی فردی و حق انتخاب نمود پیدا می‌کند. از این رو، فضای مجازی با ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی میان اعضاء جامعه ضمن شکل‌گیری فضایل عمومی در جامعه، زمینه‌ساز نقش‌آفرینی جامعه در ساخت سیاسی است. به بیان دیگر، فضای مجازی از گذر شکل‌دادن فضای عمومی تأثیر مشخصی بر شخصیت‌های توسعه سیاسی از جمله نقش جامعه در ساخت سیاسی دارد. از طرفی دیگر، فضای مجازی باعث شکل‌گیری وضعیت ایده‌آل گفتگو می‌گردد، بطوریکه افراد می‌توانند با انتخاب فردی در گروه‌های مورد علاقه عضو شوند و به صورت آزادانه در خصوص مسائل اظهار نظر کرده و منتقد باشند و در عین حال نظرات مخالفین خود را نیز بشنوند. این محیط هم‌آنگونه که هابرماس به آن تأکید دارد، نوعی فقدان اقتدار و اجبارگونگی در برابر آزادی افراد و خواست افراد می‌باشد. آزادی‌های فردی عنصری مهم در توسعه و تعالی است که این امر بر اساس ایجاد شرایط و زیر ساخت اجتماعی لازم برای انتخاب می‌توان بیان داشت.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که «فرهنگ سیاسی شبه عشیره‌ای»، «فرهنگ‌های سیاسی چندپاره قومی»، «فرهنگ سیاسی پوپولیستی»، «فرهنگ سیاسی دینی»، «فرهنگ سیاسی معطوف به هویت جوانان و زنان»، مهم‌ترین گونه‌های فرهنگ سیاسی در جامعه معاصر ایران هستند که برکنش‌های سیاسی مردم تأثیرات تعیین‌کننده‌ای دارند. فضای مجازی با گسترش و تسریع و شکل‌گیری فضای عمومی و وضعیت ایده‌آل گفتگو باعث به هم خوردن نظم‌های پیشین به خصوص در قالب سستی شده و تولیدکننده شاخص‌های توسعه از جمله نقش جامعه در ساخت قدرت، مشارکت اجتماعی و آزادی‌های فردی می‌شود. فضای عمومی هابرماس عمدتاً ایده آلیستی تلقی می‌شود، اما با توسعه فضای مجازی می‌توان به فضای عمومی و در نهایت به سمت شاخص‌های

توسعه سیاسی سوق پیدا کرد. البته بایستی به این نکته نیز توجه کرد که زیرساخت‌های فضای مجازی به واسطه دولت‌ها توسعه می‌یابد و ممکن است محدودیت‌ها و کنترل‌هایی بر آن اعمال شود، عمده این کنترل‌ها توسط دولت‌ها می‌تواند در ایجاد بحران‌های هویتی توسط فضای مجازی بررسی شود.

اگرچه هویت مجازی، هویت ساختگی تلقی می‌شود، بعضی اوقات نیز ممکن است هویت واقعی یا مثل آن باشد. بحران هویت مجازی هنگامی رخ می‌دهد که فرد به واسطه امکان تغییر در هویت واقعی در فضای مجازی با معانی و هویت جدیدی رو به رو شود که ساخته خود اوست و هم زمان در کنار هویت واقعی قرار می‌گیرد و در صورتی که این دو هویت از یکدیگر فاصله زیادی داشته باشند، به خصوص که فرد بتواند به واسطه هویت مجازی برخی اعمال خلاف هنجار اجتماعی را انجام دهد، بحران هویت مجازی شکل می‌گیرد. در واقع با توجه به گسترش روز افزون شبکه‌های اجتماعی در دنیا و ایران، استفاده نوجوانان و جوانان ایرانی از اینترنت رو به گسترش است که این افزایش ورود بی‌رویه جوانان به فضاهای مجازی آسیب‌های زیادی را به همراه خواهد داشت. تغییرات اجتماعی با زمینه‌های ناشی از تحولات ساختاری و جمعیتی در کنار تغییرات ناشی از آثار معناساز مطرح شده در فضای مجازی شبکه‌ای اجتماعی، وضعیتی قابل تأمل از بحران هویت اجتماعی پدید آورده است. یکی از بحران‌های فردی و اجتماعی دیگر خودپنداری ناشی از تعامل کاربران با فضای مجازی بوده و «امپاتی» در چنین شرایطی همانند یک سندروم اجتماعی، بحران‌های هویتی را دامن می‌زند و این امر زمینه‌ساز بسیاری از تعارضات سیاسی خواهد شد.

به نظر می‌رسد با توجه به فرایند جهانی شدن و مواجه شدن نسل متراکم جوان ایرانی با فضای مجازی، ضروری است عواقب این مواجهه در ایجاد بحران‌های هویتی بررسی شود. همانگونه که اشاره شد جامعه ایران به لحاظ قرار داشتن در دوره تاریخی خاص، از جنبه‌های «گذار» امروزه علاوه بر بحران هویت دوره تاریخی صنعتی، بحران‌های هویتی دوره پسا صنعتی و فضای مجازی را نیز تجربه می‌کند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- اسلوین، جیمز (۱۳۸۰) اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گیلوری و علی رادباوه، تهران، نشر معاصر
- الهی منش و همکاران، (۱۳۹۹)، نقش فضای مجازی در توسعه سیاسی در ایران بر اساس نظریه کنش ارتباطی
- هابرماس، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۴، صص ۸۲-۶۳
- بشیریه، حسین (۱۳۹۴) از بحران تا فروپاشی، تهران: نشر نگاه معاصر
- پاستر، مارک (۱۳۷۷) عصر دوم رسانه‌ها، ترجمه غلامحسین صالح یار، تهران: مؤسسه ایران
- پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰) بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران:
- پژوهشکده مطالعات راهبردی
- تورن، آلن (۱۳۸۰) نقد مدرنیته، مرتضی مردی‌ها، تهران: گام نو
- جعفری، علی؛ روحانی، مهدی (۱۳۹۳) بررسی نقش اینترنت در توسعه سیاسی، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی،
- سال ۲۱، شماره ۱
- حاتمی، محمدرضا؛ روشن چشم، حامد (۱۳۹۰) راهکار همگرایی رشته‌های علمی و مطالعات میان رشته‌ای،
- فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره سوم، شماره ۴
- خلقتی، مرضیه (۱۳۸۷) بحران‌های هویت‌های مجازی در گمنامی چت، درس مدیریت بحران، دانشکده علوم
- اجتماعی، دانشگاه تهران
- دالگرن، پیتر (۱۳۸۹)، تلویزیون و گستره عمومی، ترجمه مهدی شفقتی، تهران: سروش و مرکز تحقیقات،
- مطالعات و سنجش برنامه‌ای
- ربیعی، علی (۱۳۸۷) «رسانه‌های نوین و بحران هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۴
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰)، پدیده جهانی شدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: آگه
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۸)، شبکه‌های علمی مجازی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳) شبکه‌های خشم و امید، مجتبی قلی پور، تهران: نشر مرکز
- کنش ارتباطی هابرماس، فصلنامه علمی رهیافت، سال ۱۴ شماره ۵

کوهی، کمال و حسنی، محمدرضا (۱۳۹۱) «رابطه استفاده از رسانه‌های نوین با ابعاد هویتی در نوجوانان و

جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله شهر تبریز»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال نوزدهم، شماره: ۱۰۹

مهدوی، محمد مصدق؛ مبارکی، محمد (۱۳۸۵) تحلیل نظریه کنش ارتباطی هابرماس، فصلنامه علمی و

پژوهشی علوم اجتماعی، سال دوم، شماره هشتم

معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۴) «هویت و مجاز: تأثیر هویت اینترنتی»، فصلنامه مطالعات ملی شماره ۴

نوذری، حسینعلی (۱۳۹۳)، بازخوانی هابرماس، تهران: نشر چشمه

هابرماس، یورگن (۱۳۹۴)، نظریه کنش ارتباطی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر مرکز

منابع انگلیسی

Adrian, A. (2008), "No One Knows You Are a Dog: Identity and Reputation in Virtual Words",
Computer Law and Security Report, Vol. 24: 366- 374. Bartle, R. (2004), Designing
Virtual Worlds, London: Routledge

Bell, D. (2001), An Introduction to Cyberspace, London: Rutledge

Bell, D.; Kennedy, B. (2000), The Cybercultures Reader, London: Rutledge. Boyd, D.

Cavelty, M. D. (2007). Cyber-Security and Threat Politics; US Efforts to Secure the Information
Age. New York: Routledg

Dalgren, Peter (2010), Television and Public Scope, translated by Mehdi Shafaghati, Tehran:
Soroush and Center for Research, Studies and Program Evaluation

Edgar, Andrew (2006). Habermas: The key concept, first Published, London and New York:
Rutled

Habermas, J.1972. Knowledge and Human Interests, translated by Jeremy.j. Shapiro,
LondonAction and: Heinemann Pre

Habermas, J.1984. Theory of Communicative Action, Vol.1, translated by Thomas McCarthy,
Boston: Pre

Hirschkind, Charles (2010). "New Media and Political Dissent in Egypt, Revista -De Dialectologia
Y Tradiciones Populares

- Katz, S.; Marshal, B. (2006), "New Sex for Old: Life Style, Consumerism and the Ethics of Aging Well", *Journal of Aging Studies*, Vol. 17: 3- 16
- Lahali, EiMustapha (2011). *Contemporary Arab Broadcast Media*, Edinburg
- Pai, Lucien et al. (2001) "Crises and Sequences in Political Development", translated by Gholam Reza Khajeh Sarvi, Tehran: Research Institute for Strategic Studies
- Rabi'i, Ali (2008) "New Media and Identity Crisis", *Quarterly Journal of National Studies*, Year 9, Issue 4
- Thornton Alinta (1996). *Does Internet Create Democracy?* Diss: University of Technology: Sydney

Study of the role of Identity and political culture in the performance of cyberspace in Iran (with emphasis on Habermas' ideas)

Ali eftekhari, Ali Mortazavian, Dr Garineh Keshishyan Siraki,

Abstract:

This article attempts to describe and explain the impact of culture, identity, public space of society and the traditions arising from it on cyberspace and the relationships and content within it, and on the other hand, the impact of cyberspace on culture, social actions, identity, attitudes and individual and collective behaviors, and to emphasize the point that if the political culture of a society and its main components do not guarantee political stability and strengthen civil society as basic components of political development, they will have pathological consequences. Therefore, in this article, important components of Habermas's theory such as: public sphere, communicative action, rationality, possibility of participation, open space, two-way communication and the ability to communicate have been criticized and examined in order to promote, criticize and discuss political culture and the challenges that these components can create in cyberspace in the Islamic religious identity of Iran. The purpose of this article is to examine the role of cyberspace as a new field of communicative action on the development of political culture through Habermas's theory of communicative action, as well as to examine the impact of cyberspace on national identity. The findings of this article show that the way policymakers view social networks in Iran is not necessarily in conflict with the way users use them, but the cultural inefficiency of existing structures, the lack of serious consideration of legal and managerial tools, and the fragmentation of decision-making methods have posed numerous challenges for social network policymaking, which has made convergence and harmony among decision-making institutions very difficult; it has also threatened political stability and weakened civil society in some cases.

Key words: Public Sphere & Communication Action, Rationality & Possibility of Participation, Open space, Identity, Political Culture